

عوامل موثر بر ارتباط بین هموارسازی سود و سود آوری شرکت‌ها

دکتر حسین اعتمادی^۱

محمدعلی جوادی مزده^۲

تاریخ پذیرش: ۸۷/۰۸/۲۰

تاریخ دریافت: ۸۷/۰۵/۱۵

چکیده:

اکثر مدیران با موضوع هموارسازی سود بصورت تئوریک آشنا نیستند و شاید بدون آگاهی از نتایج منفی احتمالی آن، تنها به منظور ایجاد نتایج مثبت از طریق کنترل فعالیتهای تجاری و اقتصادی اقدام به افزایش و یا کاهش سود می‌نمایند.

دلایل زیادی برای هموارسازی تعدی سود گزارش وجود دارد و محققان عوامل زیادی را بر رفتار هموارسازی موثر می‌دانند. این پژوهش با هدف شناسایی و تفکیک شرکتهای هموارساز و غیر هموارساز در میان شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران از سال ۱۳۷۶ تا سال ۱۳۸۷ و مشخص کردن عوامل موثر بر رفتار هموارسازی سود انجام شده است. یافته‌های تحقیق وجود یک رابطه مثبت بین ترخ سودآوری و احتمال هموارسازی و عدم وجود رابطه بین رفتار هموارسازی و دیگر متغیرهای مستقل را تایید می‌کند.

واژه‌های کلیدی: هموارسازی سود، بورس اوراق بهادار تهران.

^۱ - دانشیار و عضو هیات علمی دانشگاه تربیت مدرس

^۲ - دانش آموخته کارشناسی ارشد رشته حسابداری دانشگاه تربیت مدرس (نویسنده مسئول و طرف مکاتبه).

mohammadali.javadi@yahoo.com

۱- مقدمه

گسترش فزاینده فعالیتهای اقتصادی و پیچیدگی روز افزون آنها و به دنبال آن شکل‌گیری موسسات و شرکت‌های بزرگ از یک طرف و لزوم توجه به اطلاعات دقیق حسابداری و صورتهای مالی از سوی دیگر، دانش حسابداری را دستخوش تحولاتی شگرف کرده و سبب ابداع روشهای تحلیلی و مدیریتی نوین در حسابداری گردیده است. تشکیل مؤسسات بزرگ دو پیامد اساسی را با خود به همراه داشته است. از یک سو ضرورت تفکیک بین مالکیت و مدیریت و از سوی دیگر وجود روشهای حسابداری یکسان و یکنواخت جهت گزارشگری، بیش از پیش احساس می‌شود.

این موضوع که ممکن است منافع مدیران و سهامداران لزوماً همسو نباشد، با در نظر گرفتن تئوری نمایندگی و تلاش مدیران برای اینکه سود شرکت را در کوتاه‌مدت بالاتر نشان دهند (مبحث مدیریت سود)، به چگونگی شکل‌گیری این موضوع می‌پردازد.

یکی از ابعاد مدیریت سود هموارسازی سود می‌باشد که عبارت است از هماهنگ نمودن آگاهانه سود برای دستیابی به یک روند یا سطح مورد نظر. این امر به دلایل مختلف در شرکتها صورت می‌گیرد و استفاده به موقع و مناسب از آن می‌تواند کمک مناسبی را به فرآیند مدیریت سود در شرکت نماید.

اما دو دیدگاه کلی در زمینه استفاده از هموارسازی سود وجود دارد از یک سو، مدیران معتقدند که سرمایه‌گذاران برای سهامی که روند سود دهی آن نوسان کمتری دارند ارزش بیشتری قائل هستند در نتیجه این موضوع ریسک سرمایه‌گذاری آنها را کاهش می‌دهد. از سوی دیگر از دیدگاه برخی تئوریسین‌های حسابداری، این اقدام بجای افشا اطلاعات به پنهان سازی آنها پرداخته و از نظر حسابداری صحیح نیست. با این حال سوال اصلی این است که: چه دلایلی باعث می‌شود شرکتها به هموارسازی سود بپردازند؟

۲- مبانی نظری و پیشینه علمی

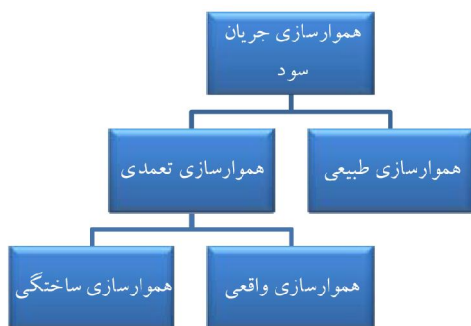
۲-۱- هموارسازی سود

هموارسازی سود، فرآیند دستکاری زمان شناسایی درآمدها یا درآمد گزارش شده است تا جریان سود گزارش شده، تغییر کمی داشته باشد، مادامی که درآمد گزارش شده را در بلندمدت افزایش ندهد. (FEDENBERG TIROLE, 1995) هموارسازی سود یک هدف روشن دارد و آن ایجاد جریان رشد ثابت در سود است. وجود این نوع دستکاری نیازمند آن است که شرکت سود زیادی داشته باشد تا بتواند ذخایر لازم را برای منظم کردن جریانها در هنگام نیاز تامین کند. به طور کلی هدف آن، کاهش تغییرات سود است. محققان هموارسازی سود از این باور تبعیت می‌کنند که فعالان بازار با جریان ثابت سود همراه می‌شوند. این باور براساس مشاهدات علی و روش تخمین ریسک است. تغییرات سود معیاری برای ریسک است. بنابراین، اگر برای کل سود، تغییرات را کاهش دهیم، تصور بازار را از ریسک تغییر خواهیم داد.

این نظریه که ممکن است شرکتها به طور عمدی سود را هموار سازند برای اولین بار توسط «هپ ورث» بیان شد و توسط «گردون» با مجموعه ای از نظریات توسعه داده شد:

- ۱) ضابطه ای که مدیران شرکت از میان اصول حسابداری تعدادی را انتخاب می‌کنند ماکزیمم کردن مطلوبیت یا آسایش خودشان است.
- ۲) مطلوبیت مدیران با: ۱- امنیت شغلی ۲- نرخ رشد سودشان و ۳- نرخ رشد اندازه شرکت افزایش می‌یابد.
- ۳) به دست آوردن اهداف مدیریت که در نظریه فوق بیان شد بستگی به رضایت سهامداران از عملکرد شرکت دارد.

هموارسازی واقعی بوده است درحالی که هموارسازی سود به فرایند حسابداری اطلاق می شود که باعث انتقال هزینه و یا درآمد از یک دوره به دوره دیگر می گردد. هموارسازی مصنوعی هنگامی حاصل می شود که مدیران قدرت تصمیم گیری دارند مثلاً پروژه تحقیقاتی سرمایه ای شود یا عمر مفید والگویی تخصیص آن را طی عمر مفید تعیین کنند.



شکل ۱- انواع هموارسازی سود

۴) سهامداران با افزایش نرخ رشد سود (یا متوسط نرخ بازدهی دارایی) و ثبات در سود راضی می شوند. این مسئله برای مدیران ضروریست تا بتوانند با آسایش خیال به دنبال اهداف خود باشند. مدیران باتوجه به محدودیتهایی که بر قدرتشان وجود دارد سعی می کنند که: ۱- سود گزارش شده را هموار سازند و ۲- نرخ رشد سود را هموار کنند.

برای هموارسازی سود، انگیزه‌های متعددی برشمرده شده است که می‌توان به تاثیر بر قیمت و ریسک سهام، دستکاری پاداش جبران خدمات مدیران، رهایی از محدودیتهای قراردادهای بدهی و... اشاره کرد. باید یادآور شد که انگیزه برای هموارسازی سود محدود به مدیران سطح بالا نمی شود. مدیران پایین دست نیز سعی بر هموارسازی دارند تا از دیدگاه مدیران رده بالا عملکرد خوبی را از خود نشان دهند. آنها سعی می کنند به بودجه تعیین شده دست پیدا کنند و کارایی مناسبی را داشته باشند.

۳- فرضیه‌های تحقیق

- ۱) بین هموار سازی سود شرکت و نرخ سودآوری شرکت ارتباط معناداری وجود دارد.
- ۲) بین هموار سازی سود شرکت و نسبت بدهی شرکت ارتباط معناداری وجود دارد.
- ۳) بین هموار سازی سود شرکت و نسبت تقسیم سود شرکت ارتباط معناداری وجود دارد.
- ۴) بین هموار سازی سود شرکت و اندازه شرکت ارتباط معناداری وجود دارد.

۴- روش شناسی تحقیق

۴-۱- روش تحقیق

با توجه به اینکه در مراحل مختلف تحقیق این برخی از متغیرها و تاثیرات آنها روی یکدیگر قابل کنترل نیست، در نتیجه این تحقیق از نوع تحقیقات نیمه تجربی یا شبه آزمایشی^۲ بوده و از نظر روش تحقیق در

۲-۲- انواع هموارسازی سود

انواع هموارسازی سود در شکل ۱ ارائه گردیده است. «آناند موهان جول» و «آنجان وی. تاکور» می گویند که هموارسازی واقعی همراه با تصمیماتی است که بر توزیع وجوه نقد شرکت تاثیر می گذارند و باعث از بین رفتن ارزش شرکت می شوند. تغییر در زمان سرمایه گذاری وقتی سود به طور مصنوعی هموار شده جریانات نقدی را تحت تاثیر قرار نمی دهد. این نوع هموارسازی با استفاده از انعطاف پذیری گزارشگری به دست می آید که توسط GAAP^۱ فراهم شده است «داس چر» و «مالکوم» وجه تمایز بین هموارسازی واقعی و مصنوعی را بدین صورت بیان کردند: چنانچه یک معامله واقعی بدون در نظر گرفتن تاثیر آن بر هموارسازی سود انجام شود، در آن صورت

تفکیک و شناسایی شرکتهای هموار کننده ساختگی از شرکتهای غیر هموارساز استفاده شده است. در این مدل چنانچه نسبت ضریب تغییرات کوچکتر از یک باشد شرکت هموارساز ساختگی سود محسوب می شود.

$$CV_{Total} = \frac{CV\Delta I}{CV\Delta S} = \frac{\frac{\sqrt{\sum(\Delta I_i - \bar{\Delta I})^2 / (n-1)}}{\bar{\Delta I}}}{\frac{\sqrt{\sum(\Delta S_i - \bar{\Delta S})^2 / (n-1)}}{\bar{\Delta S}}} < 1$$

ΔI_i = تغییر سود در یک دوره

$\bar{\Delta I}$ = میانگین تغییرات سود

ΔS_i = تغییر فروش در یک دوره

$\bar{\Delta S}$ = میانگین تغییرات فروش

CV = ضریب تغییرات

اما برای آزمون فرضیات از مدل لوجیت و رگرسیون لجستیک استفاده شد. این مدل، مدل پیشرفته و تکامل یافته مدل رگرسیون خطی است و نسبت به مدل رگرسیون خطی مزایای بسیار زیادی دارد. از مدل لوجیت زمانی مورد استفاده قرار می گیرد که متغیرهای ساختگی (موهومی) وجود داشته باشد و بخصوص برخی از متغیرها کیفی باشند. مدل لوجیت علاوه بر رفع مشکلاتی مانند ناهمسانی واریانس و غیر نرمال بودن نمونه ها، احتمال وقوع را بین صفر و یک اندازه گیری می کند.

رگرسیون لجستیک به جای حداقل کردن مجذور خطاها (که در رگرسیون معمولی انجام می گیرد) احتمالی را که یک واقعه رخ می دهد حداکثر می کند. و از آمارهای "کای دو" و "والد" (Wald) (به جای آمارهای استاندارد F و t در رگرسیون معمولی) استفاده می شود.

$$\left(\frac{\text{احتمال صوابی}}{\text{احتمال عدم صوابی}}\right) = \beta_0 + \beta_1(\text{نسبت سودی}) + \beta_2(\text{نسبت بدهی}) + \beta_3(\text{نسبت سود به بدهی}) + \beta_4(\text{نسبت سود به فروش})$$

زمره تحقیقات میدانی و از نوع پس رویدادی بر مبنای اطلاعات گذشته و داده های مشاهده شده می باشد.

۲-۴- جامعه تحقیق

جامعه مورد بررسی کلیه شرکتهایی می باشند که از سال ۷۶ تا سال ۸۷ برای حداقل ۸ سال مجمع عمومی سالانه را تشکیل داده باشد و همچنین برای حداقل ۸ سال متوالی صورتهای مالی خود را به بورس اوراق بهادار ارائه کرده باشد. تعداد کل شرکتهای بورس اوراق بهادار تهران از سال ۷۶ تا ۸۷، ۴۲۳ شرکت بوده است که طی مراحل (مخدوش بودن اطلاعات) این تعداد به ۱۵۶ شرکت کاهش یافت.

۳-۴- روش و ابزار جمع آوری اطلاعات

اطلاعات مورد نیاز این پژوهش از سازمان بورس اوراق بهادار تهران تهیه شد.

۴-۴- متغیرهای تحقیق

متغیرهای تحقیق به دو دسته کلی تقسیم می شوند: متغیر وابسته همان هموارسازی ساختگی سود می باشد و متغیرهای مستقل که عبارتند از

- نرخ سودآوری
- نسبت بدهی
- نسبت تقسیم سود
- اندازه شرکت

۵- روش های آماری تحلیل داده ها

در بخش اول از روش "مدل نسبت ضریب تغییرات برای تغییر در سری زمانی سود به ضریب تغییرات برای تغییر در سری زمانی فروش" به منظور

۶- تحلیل داده‌ها

به کای دوی مدل و درجه آزادی و سطح معنی‌داری آنها در هر گام (Step) در جدول دو آورده شده است.

۶-۱- فراوانی و درصد شرکتهای هموارساز و ناهموارساز

ناهموارساز

جدول شماره توزیع فراوانی و درصد شرکتهای هموارساز و ناهموارساز جامعه آماری این پژوهش را نشان می‌دهد. همانگونه که ملاحظه می‌شود فراوانی و درصد شرکتهای ناهموارساز (۷۸/۲۱٪) در این پژوهش بیشتر از شرکتهای هموارساز (۲۱/۷۹٪) است.

جدول ۱- توزیع فراوانی و درصد شرکتهای هموارساز و ناهموارساز

ناهموارساز

نوع	تعداد	درصد
هموارساز	۳۴	۲۱/۷۹٪
ناهموارساز	۱۲۲	۷۸/۲۱٪

جدول ۲- گامهای رگرسیون لجستیک و نتایج آن

گام (Step)	کای دو	درجه آزادی	سطح معنی داری
اول	۷,۹۹۹	۴	.۰۹۲
دوم	۷,۰۸۵	۳	.۰۶۹
سوم	۵,۵۷۴	۲	.۰۶۲
چهارم	۳,۷۴۴	۱	.۰۵۳

کای دو مدل در گام چهارم برابر ۳,۷۴۴ است که سطح معنی داری آن برابر ۰,۰۵۳ است. اگرچه این مقدار بیشتر از ۰,۰۵ است اما این اختلاف بسیار ناچیز است و یا می‌توان گفت در سطح ۰,۰۵ مدل دارای برازش مناسبی است و متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته تاثیر دارند. نتایج آزمون والد، ضرایب رگرسیون لجستیک و سطح معنی داری آنها به تفکیک هر گام در جدول شماره سه نشان داده شده است.

۶-۲- نتایج آزمون فرضیات

برای بررسی وجود اثر متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته از کای دو مدل استفاده می‌کنیم. مقادیر مربوط

جدول ۳- نتایج رگرسیون لجستیک

گام	متغیر	B	انحراف معیار	آماره والد	درجه آزادی	سطح معنی داری	نسبت برتری Exp(B)
اول	نرخ سودآوری	.۰۱۶	.۰۱۱	۲,۲۱۲	۱	.۱۳۷	۱,۰۱۷
	دارایی	.۰۰۰	.۰۰۰	.۷۵۹	۱	.۳۸۴	۱,۰۰۰
	نسبت بدهی	۱,۷۷۶	۱,۸۹۳	.۸۸۰	۱	.۳۴۸	۵,۹۰۵
	نسبت تقسیم سود	-۲,۵۷۱	۱,۵۶۱	۲,۷۱۳	۱	.۱۰۰	.۰۷۶
	ثابت	-.۹۷۷	۱,۵۴۹	.۳۹۸	۱	.۵۲۸	.۳۷۷
دوم	نرخ سودآوری	.۰۱۰	.۰۰۸	۱,۵۹۹	۱	.۲۰۶	۱,۰۱۰
	دارایی	.۰۰۰	.۰۰۰	.۷۷۸	۱	.۳۷۸	۱,۰۰۰
	نسبت تقسیم سود	-۲,۱۵۸	۱,۴۵۰	۲,۲۱۴	۱	.۱۳۷	.۱۱۶
	ثابت	.۰۷۰	۱,۰۶۵	.۰۰۴	۱	.۹۴۷	۱,۰۷۳
سوم	نرخ سودآوری	.۰۰۷	.۰۰۶	۱,۵۳۱	۱	.۲۱۶	۱,۰۰۷
	نسبت تقسیم سود	-۱,۸۲۲	۱,۳۸۳	۱,۷۳۵	۱	.۱۸۸	.۱۶۲
	ثابت	-.۲۰۶	۱,۰۲۴	.۰۴۱	۱	.۸۴۰	.۸۱۴
چهارم	نرخ سودآوری	.۰۰۶	.۰۰۵	۱,۵۵۰	۱	.۰۳۸	۱,۰۰۶
	ثابت	-۱,۵۲۳	.۲۷۱	۳۱,۵۷۵	۱	.۰۰۰	.۲۱۸

استفاده کند. دلیل دیگر این است که بالارفتن و ترقی سود سبب می‌شود تا سهامداران معیار و استاندارد سود مشمول پاداش را افزایش دهند که در میزان پاداش سال‌های بعد تاثیر منفی خواهد داشت. دلیل سوم، وجود نرخ تصاعدی مالیاتی است. چنانچه سود افزوده شده (نسبت به سال گذشته) در نرخ بسیار بالایی قرار بگیرد، چون طرح پاداش بر مبنای سود ویژه بعد از مالیات است لذا پاداش متعلقه به مدیران علیرغم تلاش زیاد مدیریت چشمگیر نخواهد بود.

نتایج آزمون دلیلی برای وجود رابطه بین هموارسازی ساختگی سود و نسبت بدهی شرکت را نشان نمی‌دهد. همانطور که میدانیم نسبت بدهی مجموع بدهی‌ها را نسبت به مجموع دارایی‌ها مسجند. در واقع این نسبت درصد وجوهی را نشان می‌دهد که از طریق بدهی‌ها تامین شده است. اعتباردهندگان نسبت بدهی پایین را ترجیح می‌دهند. زیرا ریسک عدم پرداخت بدهی در زمان ورشکستگی را کاهش می‌دهد. شرکتها بدلیل افزایش نسبت بدهی و بالا رفتن ریسک مالی شرکت نمی‌توانند بیش از اندازه از طریق بدهی تامین مالی نمایند. بنابراین وجود این محدودیت عدم تاثیر میان نسبت بدهی و رفتار هموارسازی را توجیه می‌کند.

همچون فرضیه دوم نتایج آزمون نشان داده‌است که بین هموارسازی ساختگی سود و نسبت تقسیم سود همبستگی و ارتباطی وجود ندارد.

در شرکت‌های عضو بورس اوراق بهادار تهران تعیین خط مشی تقسیم سود غالباً بر اساس سیاست تقسیم سود سهام سال قبل و بطور پایدار و منظم انجام می‌گیرد. این کار انتظارات سهامداران را در دریافت میزان معینی سود بطور مداوم برآورده می‌کند. در چنین شرکت‌هایی درآمدهای ممکن است سال به سال در نوسان باشد اما سود سهام اعلام شده بدون تغییر می‌باشد و سرمایه گذاران این تداوم و ثبات را حاکی از ادامه روند

همانطور که در جدول فوق نشان داده شده در گام چهارم فقط متغیر نرخ سودآوری در مدل باقی مانده است و در سطح خطای ۵ درصد معنی دار است. بنابراین خروجی مدل لوجیت به صورت زیر نوشته می‌شود:

$$\ln \left(\frac{\text{احتمال هموارسازی}}{\text{احتمال عدم هموارسازی}} \right) = -1.523 + 0.006 (\text{نرخ سودآوری})$$

ضریب مثبت نرخ سودآوری نشان دهنده رابطه مثبت میان نرخ سودآوری و میل شرکت به هموارسازی است.

این نکته قابل توجه است که ضریب نرخ سودآوری میزان تغییر لگاریتم نسبت شانس (Odds Ratio) را به ازای یک واحد تغییر در نرخ سودآوری نشان می‌دهد. ستون آخر جدول نیز نسبت برتری را نشان می‌دهد که معادل ۰ به توان ۰,۰۰۶ است.

۷- نتیجه گیری و بحث

نتایج آزمون نشان دهنده تاثیر میزان سودآوری بر هموارسازی سود بوده است. به علاوه عموماً شرکت‌های برخوردار از سودآوری نسبی بالاتر به عنوان هموارساز مورد شناسایی قرار گرفته‌اند. تمایل شرکت‌های دارای سودآوری بالاتر به هموارسازی سود، ممکن است از این واقعیت نشأت گرفته باشد که وجود نوسان در جریان سود، تاثیر نامطلوب شدیدی بر این نوع شرکتها دارد.

در زمان افزایش سریع درآمد (رشد ناگهانی سود) مدیران شرکتها ممکن است به چند دلیل اقدام به کاهش سود گزارش شده نمایند. یکی از این دلایل این است که چنانچه سود دوره‌ای بالاتر از محدوده سقف مشخص شده در طرح پاداش باشد و آن بخش از سود نهایی، پاداش چندانی نداشته باشد، مدیریت سعی در انتقال درآمد به سال بعد خواهد داشت تا از پاداش افزوده آن در محدوده طرح پاداش برای سال آتی

- فهرست منابع و مآخذ (استفاده شده در مقاله و مطالعات اضافی)
- ۱) حاجیوند، تقی، (۱۳۷۵) انگیزه‌های مدیریت در هموارسازی سود گزارش شده، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
 - ۲) عرب مازار، عباس، اقتصاد سنجی عمومی
 - ۳) بدری، احمد، (۱۳۷۸) شناسایی عوامل موثر بر هموارسازی سود در جامعه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، رساله دکترا دانشگاه تهران سال
 - ۴) توکلی، اکبر، اقتصاد سنجی (فروپاشی فروش استاندارد) (جلد دوم)، جهاد دانشگاهی دانشگاه اصفهان
 - ۵) خانی، عبدالله، (۱۳۸۲) مدیریت سود و پاداش مدیران، کارشناسی ارشد دانشگاه علامه
 - ۶) کوچکی، حسن، (۱۳۷۳) هموارسازی از طریق زمانبندی فروش‌ها، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس
 - ۷) علامه حائری، فرید الدین، (۱۳۷۷-۱۳۷۸) بررسی ارتباط بین هموارسازی سود و ثروت سهامداران رساله دکترا دانشگاه آزاد
 - ۸) شریعت پناهی، مجید، (تیر ۱۳۸۳) هموارسازی سود و بازده تعدیل شده براساس ریسک، ماهنامه تدبیر شماره ۱۴۶
 - ۹) رضائی، عبدالمجید، (۱۳۷۷) مقدمه ای بر تحلیل رگرسیون کاربردی، مرکز نشر دانشگاه اصفهان
 - 10) Albrecht, W D., and F. M. Richardson, (1990), "Income Smoothing by Economy sector", *Journal of Business & Accounting*, Winter, pp.713-730.
 - 11) Ashari, N., H. C. Koh, S. L. Tan, and W. H. Wong, (1994), "Factors Affecting Income Smoothing Among Listed Companies in Singapore", *Accounting and Business Research*, pp.291-301.
- عادی عملیات شرکت تلقی می‌کنند. با وجود خط مشی تقسیم سود سهام بطور منظم و ثابت نتایج حاصله در این فرضیه کاملاً منطقی و ملموس است. به عبارت دیگر اتخاذ سیاست‌های منظم تقسیم سود سبب می‌شود که این متغیر هیچ تاثیری در تمایل یا عدم تمایل مدیران به هموارسازی سود نداشته باشد.
- در این پژوهش از میزان دارایی هر شرکت به عنوان متغیر اندازه شرکت استفاده شده است. نتایج آزمون وجود ارتباط و همبستگی بین هموارسازی ساختگی سود و اندازه شرکت را رد می‌کند.
- بیشتر شرکت‌های عضو سازمان بورس اوراق بهادار تهران جزء شرکتهای بزرگ و معروف بشمار می‌روند. بدین ترتیب این شرکتها که در معرض توجه و بررسی بیشتری قرار دارند انگیزه کمتری نسبت به دیگر شرکتها برای هموارسازی سود دارند. به بیان دیگر احتمال کمی وجود دارد که مدیران شرکتهای عضو بورس بتوانند از طریق گزارش سودهای هموار، ارزش اضافی بدست آورند، زیرا سایر منابع به طور مستمر علائم اطلاعاتی مربوط را به بازار منتقل می‌کنند.
- در واقع منشأ این رخداد آن است که شرکتهای عضو سازمان بورس در معرض پاسخگویی بیشتری به طیف وسیعی از مدعیان قرار دارند. از طرف دیگر دلیل تمایل کمتر این شرکتها به هموارسازی سود اینست که این شرکتها در معرض رسیدگی‌های دقیق‌تری قرار دارند و تجزیه و تحلیل‌های بیشتری که بازار در مورد این شرکتها انجام می‌دهد، منجر به این نتیجه می‌شود که شرکت‌های پذیرفته شده در بورس از هموارسازی سود کمتر موفق به تاثیر گذاری بر رفتار بازار شوند و این بدان معنی است که محتوای اطلاعاتی سودهای هموار برای آنها کمتر است.

یادداشت‌ها

¹ Generally Accepted Accounting Principle

² Quasi experiment

- 12) Beidleman, C. R., (1973), "Income Smoothing: The Role of Management", The Accounting Review, October, pp.653-667.
- 13) BREALEY. RICHARD A., MYERS. STEWART C., (2000), PRINCIPLES OF CORPORATE FINANCE, SIXTH EDITION, MC GROW HILL
- 14) Carlson, S. J., and C. T. Bathala, (1997), "Ownership Differences and Firm Income Smoothing Behavior", Journal of Business Finance and Accounting, 24(2), pp. 181-195.
- 15) David Albrecht and F.M. Richardson(1990)' Income Smoothing by economy Sector" Journal of Bussiness Finance and Accounting ,
- 16) Douglas Moses(1987) " Income smoothing and incentive: Empirical test using accounting change" The accounting review
- 17) Easton, P. D., and M. E. Zmijewski, (1989), "Cross-sectional Valuation in the Stock Market Response to Accounting Earnings Announcements", Journal of Accounting and Economics 15: pp. 117-141.
- 18) Eckel, N., (1981), "The Income Smoothing Hypothesis Revisited", Abacus, June, pp. 28-40.
- 19) EVANS. THOM GIBSON. DAVID W. PRELL. MARK A., (1997), DO MANAGERS SMOOTHING EARNINGS